

بررسی رابطه بین سبک زندگی خانواده و نگرش نوجوانان نسبت به جنس مخالف
(مطالعه موردی دانش آموزان مدرسه فرهیختگان (۲ شهر پردیس)

The relationship between family lifestyle and adolescents' attitudes towards the opposite sex (A case study of students of the first and second Farhikhtegan schools in Pardis city)

Mah Khanom Dadkhah Mianroodan

M.A. in Sociology from Shahed University, Tehran.

Email: Mahkhanomdadkhah@gmail.com

ماه خانم دادخواه میانرودان*

کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه شاهد تهران.

Abstract

Today, the evidence shows that the emotional relationship with the opposite sex has spread from the youth to the teenagers, a large group of teenagers has experienced a social relationship with the opposite sex, the lifestyle and the way parents and the culture of that family deal with it. This problem and the attitude of teenagers towards the opposite sex have had significant effects. Since the establishment of friendship with the opposite sex, due to the individual and social effects of this phenomenon, today it has been more and more attention of sociologists and psychologists. The present research has examined the relationship between the family lifestyle and the attitude of adolescent girls towards the opposite sex, and what attitude the adolescent girls of Pardis city had towards the opposite sex (according to their life experiences). The statistical population of this research consists of students of 1st and 2nd secondary schools in Pardis city, who are between the ages of 13 and 18, and the quantitative research method is a survey type, and the measurement tool is a questionnaire type. Random sampling method and statistical population of 800 people, of which 260 responded to our research questionnaire. The findings were analyzed using descriptive and inferential statistics and SPSS software. Based on research findings, there is a significant relationship between lifestyle and cultural consumption and body management and relationships between personal

چکیده

امروزه شواهد نشان می‌دهد که رابطه‌ی عاطفی با جنس مخالف، از قشر جوانان به قشر نوجوانان تسری یافته است و گروه زیادی از نوجوانان، رابطه اجتماعی با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند و سبک زندگی و چگونگی برخورد والدین و فرهنگ آن خانواده بر روی این مسئله و نگرش نوجوانان به جنس مخالف تأثیرات قابل توجهی داشته است. از آنجا که برقراری رابطه دوستی با جنس مخالف، به دلیل اثرات فردی و اجتماعی این پدیده، امروز بیش از پیش مورد توجه جامعه شناسان و روان شناسان قرار گرفته است. پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین سبک زندگی خانواده و نگرش نوجوانان دختر نسبت به جنس مخالف پرداخته است و اینکه نوجوانان دختر شهرستان پردیس، چه نگرشی (با توجه به شیوه تجربه زیستی خود) به جنس مخالف داشته‌اند. جامعه آماری این پژوهش متشکل از دانش آموزان مدارس متوسطه ۱ و ۲ شهرستان پردیس که در فاصله سنی ۱۳ تا ۱۸ سال قرار دارند، می‌باشد و روش تحقیق کمی از نوع پیمایشی بوده و ابزار اندازه گیری از نوع پرسشنامه می‌باشد. شیوه نمونه گیری تصادفی و جامعه آماری ۸۰۰ نفر که ۲۶۰ نفر به پرسشنامه پژوهش ما پاسخگو بودند. یافته‌های حاصل با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی و نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. براساس یافته‌های پژوهش بین سبک زندگی و مصرف فرهنگی و مدیریت بدن و روابط بین شخصی خانواده و مصرف مادی و نگرش نوجوانان به جنس مخالف رابطه معناداری وجود دارد.

بررسی رابطه بین سبک زندگی خانواده و نگرش نوجوانان نسبت به جنس مخالف
(مطالعه موردی دانش آموزان مدرسه فرهیختگان (۲ شهر پردیس)

واژه‌های کلیدی: نگرش، سبک زندگی، نوجوانان، خانواده، family and material consumption and teenagers' attitude towards the opposite sex.

جنس مخالف.
Keywords: Attitude, Lifestyle, Teenagers, Family, Opposite Sex.

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: مهر ۱۴۰۳

پذیرش: آذر ۱۴۰۳

مقدمه

در هر جامعه ای، نگرش‌های ویژه ای وجود دارند که حتی شامل: سبک زندگی، سبک رفتاری و کردار و سایر مسائل روزمره و اجتماعی می‌شود.

امروزه یکی از مسائلی که نوجوانان و جوانان را در تضاد و تنش قرار می‌دهد، نوع روابط دختران و پسران است که تحت تأثیر گرایش‌های فرهنگی، دینی، عرفی، اجتماعی و خانوادگی قرار دارد. آنچه نسل کنونی را دچار سرگردانی و پریشانی می‌کند، از یک سو زندگی در جامعه‌ای اسلامی با فرهنگ و آداب ایرانی و از سوی دیگر مواجهه و ارتباط با تمدن‌های مختلف از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت است که به طرز شگرفی ملل را به یکدیگر نزدیک می‌کند. نسل امروز باید بتواند بین عرف‌ها، نگرش‌های سنتی، ارزش‌های دینی و شرایط خانوادگی که در آن رشد کرده‌اند از یک طرف و افکار و گرایش‌های جدید ناشی از پیچیدگی‌های دنیای امروز از طرف دیگر، هماهنگی ایجاد کند. ارتباط با جنس مخالف که زمینه‌ساز ازدواج و تشکیل خانواده است، یکی از قدیمی‌ترین روابط بشری به شمار می‌رود. در سال‌های اخیر، تغییر الگوهای ارزشی در زمینه برقراری روابط با جنس مخالف و معاشرت‌های پیش از ازدواج توجه محققان را جلب کرده است. علی‌رغم تغییرات وسیع در جامعه، به ویژه در حوزه فرهنگ و افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج میان جوانان، باید توجه داشت که هنوز هم عدم برقراری این نوع روابط با جنس مخالف اهمیت زیادی دارد و تغییرات ایجاد شده نتوانسته است این مسئله را در نظر خانواده‌ها و نسل‌های پیشین کم‌رنگ کند. با این حال، نمی‌توان انکار کرد که گسترش روابط پیش از ازدواج جوانان با جنس مخالف تأثیراتی داشته است؛ زیرا این تحولات شرایطی را فراهم کرده‌اند که دختران نیز مانند پسران به تجربه‌های جدید و پنهانی در حوزه روابط شخصی خود بپردازند و تعاریف جدیدی درباره این موضوع ارائه دهند.

به طور کلی، تغییرات فرهنگی و اجتماعی در جوامع معاصر بر روی روابط دختران و پسران تأثیرگذار بوده و نیازمند توجه ویژه‌ای است تا بتوان به چالش‌ها و مشکلات ناشی از این تغییرات پاسخ داد. در این پژوهش با توجه به اهمیت موضوع به پرسش (نگرش به جنس مخالف با توجه به سبک زندگی خانوادگی خود در ایران به ویژه نزد دانش آموزان چگونه است و به چه سمتی گرایش دارند؟) پرداخته و سعی به پاسخ به آن داشته ایم.

پیشینه پژوهش

مطالعه انجام شده توسط زاهدی اصل و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان «تجارب و چالش‌های دختران با سابقه همخانگی»، با استفاده از رویکرد پدیدارشناختی، نشان می‌دهد که شرکت کنندگان در اعمال خود احساس برابری جنسیتی، استقلال و آزادی را نشان می‌دهند. علی‌رغم تغییر دیدگاه هایشان در مورد نقش‌های جنسیتی، آنها با چالش‌های مهمی از جمله: انگ اجتماعی، طرد شدن، کاهش ارتباطات اجتماعی، احساس ناامنی، درگیر شدن در رفتارهای پرخطر (مانند مصرف مواد مخدر، سیگار کشیدن) و تجارب خشونت مواجه شدند. در فراتحلیل خلیج آبادی فراهانی (۱۳۹۴) با عنوان «روابط با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین جوانان در ۱۵ سال گذشته (۱۳۸۰-۱۳۹۴)» شیوع رابطه جنسی قبل از ازدواج در تهران ۲۲/۵ درصد و سایر استان‌ها

۱۴/۷ درصد برآورد شده است. این مطالعه نشان می‌دهد که تقریباً یک ششم جوانان به دلیل چنین روابطی با خطرات سلامتی (مانند بیماری‌ها) و خطرات اجتماعی (مانند افزایش سن ازدواج) روبرو هستند.

در مطالعه دیگری، موحد و همکاران (۱۳۸۵) نشان دادند که نگرش خانواده‌ها نسبت به دوستی و معاشرت دختران و پسران قبل از ازدواج، منفی‌تر از نگرش دانشجویان است. همچنین، دختران نسبت به پسران نگرش بسیار منفی‌تری نسبت به این نوع معاشرت‌ها داشته‌اند. بر اساس یافته‌های تحلیلی محققین، متغیرهایی که بر اساس نظریه رونالد اینگلهارت به جامعه‌پذیری مربوط می‌شوند، تأثیر بیشتری بر نگرش‌های افراد دارند.

در سال ۲۰۱۶، کوساسلان اوپک و همکارانش مطالعه‌ای با عنوان «ارزیابی دانش، نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با سلامت جنسی در میان دانش‌آموزان مدرسه در شرق ترکیه» در ترکیه انجام دادند. یافته‌ها نشان داد که ۸ درصد از دختران و ۱۰٫۳۵ درصد از پسران درگیر فعالیت‌های جنسی بوده‌اند. این تحقیق دانش ناکافی سلامت جنسی را در میان دانش‌آموزان برجسته کرد و نشان داد که نگرش‌ها و رفتارهای آن‌ها به شدت تحت تأثیر دیدگاه‌های سنتی در مورد تمایلات جنسی بین جنسیت‌ها قرار دارد.

یپ و همکاران (۲۰۱۳)، ۱۱۲۶ فرد مجرد ۱۷ تا ۲۷ ساله را در هنگ کنگ مورد بررسی قرار داد. این مطالعه نشان داد که بخش قابل توجهی (۸/۶۳ درصد) نگرش‌های سهل‌آمیز نسبت به رابطه جنسی قبل از ازدواج داشتند، در حالی که حدود ۶۰ درصد دیدگاه‌های محافظه‌کارانه در مورد روابط جنسی و شرکای متعدد داشتند. مردان تمایلات محافظه‌کارانه و سهل‌گیرانه تری نسبت به زنان در مورد رفتارهای جنسی پرخطر نشان دادند. تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک نشان داد که عواملی مانند افزایش سن، طلاق والدین، قطع تحصیل و نگرش‌های آرام در احتمال مشارکت در رابطه جنسی قبل از ازدواج یا رفتارهای جنسی پرخطر نقش دارند.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش کمی از نوع پیمایشی برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات جامعه‌ی مورد مطالعه استفاده می‌شود. روش کمی به روشی گفته می‌شود که در آن تصمیم‌گیری‌ها بوسیله محقق انجام می‌شود. در این روش، محقق سؤالات مشخص و کاملاً تعریف شده‌ای را تعیین می‌کند، اطلاعات کمی را از نمونه مورد نظر جمع‌آوری می‌نماید، سپس با استفاده از روش‌های آماری، به تجزیه و تحلیل این اطلاعات پرداخته و تحقیق خود را به صورت کاملاً عینی و بدون سوگیری اجرا می‌کند. در کار در دست برای جمع‌آوری داده‌های کمی از تحقیق پیمایشی استفاده شده است. تحقیق پیمایشی به عنوان روشی کمی - توصیفی است از نگرش و رفتار جمعیتی بر اساس انتخاب نمونه‌ای تصادفی و معرف از افراد آن جمعیت و پاسخ آنها به یک رشته سؤال (بیگر، ۱۳۸۶: ۲۰).

جامعه آماری پژوهش: جامعه آماری به مجموعه‌ای از افراد یا اشیاء اطلاق می‌شود که دارای یک یا چند ویژگی مشترک هستند. این گروه از افراد یا اشیاء باید با هدف و موضوع تحقیق ارتباط داشته باشند. جامعه آماری پژوهش حاضر ۸۰۰ نفر دانش‌آموز دختر نوجوان (۱۳ تا ۱۸ سال) مدرسه فرهیختگان ۱ و ۲ شهرستان پردیس می‌باشد.

شیوه نمونه‌گیری و حجم نمونه: در تحقیقات از فرمول‌های خاصی برای تعیین حجم نمونه استفاده می‌شود که یکی از رایج‌ترین آن‌ها فرمول کوکران است. در پژوهش حاضر نیز برای تعیین حجم نمونه از این فرمول بهره گرفته شده است. با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد (با ۵ درصد خطا)، که در این حالت ضریب اطمینان (t) برابر با ۱٫۹۶ می‌باشد، حجم نمونه مورد بررسی به شرح زیر محاسبه گردید: (حجم نمونه: ۲۶۰ نفر)

بررسی رابطه بین سبک زندگی خانواده و نگرش نوجوانان نسبت به جنس مخالف
(مطالعه موردی دانش آموزان مدرسه فرهیختگان (۲ شهر پردیس)

$$n = \frac{Nt^2pq}{Nd^2 + t^2pq}$$

N: تعداد کل جمعیت آماری

t: ضریب اطمینان، که چنانچه سطح معنی داری آزمون برابر با ۰/۰۵ باشد، مقدار این ضریب برابر است با ۱.۹۶

p: احتمال وجود صفت در جامعه (نسبت جمعیت دارای صفت معین)

q: احتمال عدم وجود صفت در جامعه (نسبت جمعیت فاقد صفت معین) = (1-p)

d: دقت نمونه گیری (تفاضل نسبت واقعی صفت در جامعه با میزان تخمین محقق برای وجود آن صفت در جامعه)

$$n = (800 * 1.96^2 * 0.5 * 0.5) \% (800 * 0.5 + 1.96^2 (0.5 * 0.5)) = 260$$

با توجه به ترکیب جامعه آماری پژوهش نمونه ۲۶۰ نفری این تحقیق به طور مساوی از هر طبقه انتخاب گردید این تعداد هم با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از میان اعضای هر طبقه به صورت جدول زیر انتخاب شده است. ($\frac{n}{N}$)

جدول (۱). توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پایه تحصیلی

پایه تحصیلی	فراوانی	درصد
هفتم	۲۰	۷/۷
هشتم	۶۷	۲۵/۸
نهم	۷۴	۲۸/۵
دهم	۱۰	۳/۸
یازدهم	۵۰	۱۹/۲
دوازدهم	۳۹	۱۵
کل	۲۶۰	۱۰۰

مطابق جدول (۱)، بیشترین درصد پاسخگویان با ۲۸/۵ درصد در پایه نهم تحصیل می‌کنند، که نشان‌دهنده تمرکز بالای داده‌ها در این پایه است. پایه هشتم با ۲۵/۸ درصد در رتبه دوم قرار دارد، و پایه یازدهم با ۱۹/۲ درصد در رتبه سوم از نظر تعداد پاسخگویان قرار دارد. به طور کلی، این سه پایه بیشترین سهم را در میان سایر پایه‌ها دارند. در مقابل، پایه دهم با ۳/۸ درصد کمترین درصد را دارد، که نشان‌دهنده حضور اندک دانش‌آموزان در این پایه است. همچنین، پایه هفتم با ۷/۷ درصد و پایه دوازدهم با ۱۵ درصد در انتهای جدول قرار دارند. لازم به ذکر است که به منظور تکمیل پرسشنامه‌ها توسط جمعیت نمونه تحقیق محقق شخصاً در یک بازه زمانی ۱۰ روزه در تاریخ ۱۴۰۳ در دو مدرسه فرهیختگان ۱ و ۲ حضور یافته با هماهنگی مسئولین ذیربط و با مراجعه به نمونه‌های مورد نظر در وقت فراغتشان در محیط مدرسه عملیات پرسشگری را انجام داده است.

ابزار گردآوری داده‌ها

روش تحقیق اتخاذ شده در این مطالعه، شامل یک فرآیند دو مرحله‌ای است. ابتدا از روش اسنادی استفاده شده است. این مرحله بر منبع یابی نظریه‌ها و مطالعات مناسب برای ایجاد یک چارچوب نظری قوی، متمرکز است. برای دستیابی به این هدف، کاوش گسترده‌ای در کتاب‌ها، مقالات تخصصی، پایان‌نامه‌ها و منابع اطلاعاتی مرتبط با موضوع مورد نظر انجام می‌شود. پس از آن، مرحله دوم شامل بررسی و کمی‌سازی موضوع است. در این مرحله از روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه مجهز به مقیاس لیکرت برای ارزیابی متغیرهای مطرح شده در فرضیه‌های تحقیق استفاده می‌شود. این رویکرد سیستماتیک امکان جمع‌آوری اطلاعات ضروری را فراهم می‌کند. توجه به این نکته مهم است که داده‌های جمع‌آوری شده از نظر اعتبار

صوری و پایایی، با استفاده از آلفای کرونباخ برای ارزیابی پذیرش روش شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از این ارزیابی، آزمون‌های آماری برای اندازه‌گیری مؤثر متغیرها انجام می‌شود.

نتایج

جدول (۲): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
دختر	۲۶۰	۱۰۰
کل	۲۶۰	۱۰۰

اطلاعات جدول بالا نشان می‌دهد که ۱۰۰ درصد از پاسخگویان جنسیت خود را دختر گزارش کرده‌اند.

جدول (۳): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پایه تحصیلی

پایه تحصیلی	فراوانی	درصد
هفتم	۲۰	۷/۷
هشتم	۶۷	۲۵/۸
نهم	۷۴	۲۸/۵
دهم	۱۰	۳/۸
یازدهم	۵۰	۱۹/۲
دوازدهم	۳۹	۱۵
کل	۲۶۰	۱۰۰

مطابق با این جدول، بیشترین درصد پاسخگویان با ۲۸.۵ در پایه نهم تحصیل می‌کنند، که نشان‌دهنده تمرکز بالای داده‌ها در این پایه است. پایه هشتم با ۲۵.۸ در رتبه دوم قرار دارد، و پایه یازدهم با ۱۹.۲ در رتبه سوم از نظر تعداد پاسخگویان قرار دارد. به‌طور کلی، این سه پایه بیشترین سهم را در میان سایر پایه‌ها دارند. در مقابل، پایه دهم با ۳.۸ کمترین درصد را دارد، که نشان‌دهنده حضور اندک دانش‌آموزان در این پایه است. همچنین، پایه هفتم با ۷.۷ و پایه دوازدهم با ۱۵.۰ در انتهای جدول قرار دارند.

جدول (۴): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات پدر

تحصیلات پدر	فراوانی	درصد
زیر دیپلم	۱۰۶	۴۰/۸
دیپلم	۹۴	۳۶/۲
فوق دیپلم	۱۷	۶/۵
لیسانس	۳۸	۱۴/۶
فوق لیسانس	۵	۱/۹
کل	۲۶۰	۱۰۰

بررسی رابطه بین سبک زندگی خانواده و نگرش نوجوانان نسبت به جنس مخالف
(مطالعه موردی دانش آموزان مدرسه فرهیختگان (۲ شهر پردیس)

بر اساس این جدول، بیشترین درصد پاسخگویان با ۴۰.۸، تحصیلات پدرانشان زیر دیپلم است، که نشان‌دهنده این است که تعداد زیادی از پاسخگویان از خانواده‌هایی با تحصیلات پایین‌تر برخوردار هستند. پس از آن، ۳۶.۲ از پاسخگویان دارای پدرانی هستند که تحصیلاتشان دیپلم است. این گروه به‌طور قابل توجهی بزرگ است و در مقام دوم از نظر تعداد پاسخگویان قرار دارد. در مقایسه، ۱۴.۶ از پاسخگویان پدرانی با تحصیلات لیسانس دارند، و تنها ۶.۵ پدران دارای تحصیلات فوق دیپلم هستند. همچنین، ۱.۹ از پاسخگویان پدرانی با تحصیلات فوق لیسانس دارند، که کوچک‌ترین درصد را به خود اختصاص داده است.

جدول (۵): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات مادر

تحصیلات مادر	فراوانی	درصد
زیر دیپلم	۹۰	۳۴/۶
دیپلم	۱۰۰	۳۸/۵
فوق دیپلم	۱۹	۷/۳
لیسانس	۴۹	۱۸/۸
فوق لیسانس	۲	۰/۸
کل	۲۶۰	۱۰۰

جدول توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات مادر نشان می‌دهد که بیشترین درصد پاسخگویان با ۳۸.۵ مادرانی دارند که تحصیلاتشان دیپلم است. پس از آن، ۳۴.۶ از پاسخگویان مادرانی با تحصیلات زیر دیپلم دارند. این دو گروه بزرگترین سهم را در میان تحصیلات مادران به خود اختصاص داده‌اند. در مقایسه، ۱۸.۸ از پاسخگویان دارای مادرانی با تحصیلات لیسانس هستند و ۷.۳ پدران دارای تحصیلات فوق دیپلم هستند. کمترین درصد، معادل ۰.۸، مربوط به مادرانی با تحصیلات فوق لیسانس است.

جدول (۶): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب طبقه اجتماعی

طبقه اجتماعی	فراوانی	درصد
پایین پایین	۷	۲/۷
پایین	۳۹	۱۵
متوسط	۱۹۲	۷۳/۸
بالا	۲۲	۸/۵
کل	۲۶۰	۱۰۰

اطلاعات جدول بالا نشان می‌دهد که بیشترین درصد پاسخگویان (۷۳.۸ درصد) خود را در طبقه اجتماعی متوسط قرار داده‌اند، در حالی که کمترین درصد (۲.۷ درصد) مربوط به طبقه اجتماعی پایین پایین است.

جدول (۷): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب درآمد ماهیانه

درآمد ماهیانه	فراوانی	درصد
۵-۱۰ میلیون	۷۴	۲۸/۵
۱۰-۱۵ میلیون	۸۷	۳۳/۵
۱۵-۲۰ میلیون	۵۲	۲۰
۲۰ میلیون به بالا	۴۷	۱۸/۱
کل	۲۶۰	۱۰۰

اطلاعات جدول بالا نشان می‌دهد که بیشترین درصد پاسخگویان (۳۳.۵ درصد) درآمد ماهیانه خود را ۱۰-۱۵ میلیون تومان گزارش کرده‌اند، در حالی که کمترین درصد (۱۸.۱ درصد) درآمدی بیش از ۲۰ میلیون تومان داشته‌اند.

جدول (۸): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب شغل پدر

درصد	فراوانی	دسته شغلی
۲۵/۷۷	۶۷	آزاد (شغل آزاد، فروشنده، پیمانکار)
۱۲/۶۹	۳۳	کارمند (اداری/مالی/بانک)
۱۱/۵۴	۳۰	کارگر (ساده، کارگر ساختمانی، کارگر موزاییک سازی)
۱۰/۳۸	۲۷	راننده (راننده تاکسی، راننده اسنپ، راننده ماشین سنگین)
۹/۲۳	۲۴	مشاغل فنی و صنعتی (جوشکار، تراشکار، نجار، مکانیک)
۶/۱۵	۱۶	بازنشسته
۵	۱۳	نظامی و انتظامی (پاسدار، نظامی، حراست)
۳/۰۸	۸	مهندس و تکنسین (مهندس ساخت‌افزار، مهندس متالوژی، تکنسین)
۳/۰۸	۸	ساخت و ساز (بنا، نقاش ساختمان)
۳/۰۸	۸	مشاغل دیگر (جوهرساز، دیزاینر داخلی، دکوراسیون داخلی)
۲/۳۱	۶	صنایع غذایی (نانوا، آشپز)
۲/۳۱	۶	نگهبان و حراست (نگهبان، حراست)
۱/۹۲	۵	پزشک و مشاغل بهداشتی (پزشک، کارمند بیمارستان)
۱/۹۲	۵	فروشنده (کفش فروش، فروشنده ابزارآلات ساختمانی)
۱/۱۵	۳	مشاغل آموزشی (معلم بازنشسته، دبیر بازنشسته)
۰/۳۸	۱	مدیریت و مشاغل دفتری (مدیر اداره برق)
۱۰۰	۲۶۰	مجموع کل

این جدول نشان می‌دهد که دسته "آزاد" با ۶۷ نفر (۲۵.۷۷) بیشترین فراوانی را دارد و پس از آن دسته "کارمند" با ۳۳ نفر (۱۲.۶۹) و دسته "کارگر" با ۳۰ نفر (۱۱.۵۴) قرار دارند.

جدول (۹): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب شغل مادر

درصد	فراوانی	شغل مادر
۲۳/۵	۶۱	شاغل
۷۶/۵	۱۹۹	خانه دار
۱۰۰	۲۶۰	کل

اطلاعات جدول نشان می‌دهد که بیشتر مادران پاسخگویان (۷۶.۵ درصد) خانه‌دار هستند، در حالی که ۲۳.۵ درصد از مادران شاغل هستند.

بررسی رابطه بین سبک زندگی خانواده و نگرش نوجوانان نسبت به جنس مخالف
(مطالعه موردی دانش آموزان مدرسه فرهیختگان (۲ شهر پردیس)

جدول (۱۰) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت سبک زندگی

سبک زندگی	فراوانی	درصد
پایین	۶۸	۲۶
متوسط	۱۲۴	۴۸
بالا	۶۸	۲۶
کل	۲۶۰	۱۰۰

نمرات سبک زندگی به سه دسته پایین، متوسط و بالا تقسیم شدند. در دسته پایین (۰-۵۰)، ۶۸ نفر (۲۶.۱۵٪) قرار گرفتند. دسته متوسط (۵۱-۷۵) شامل ۱۲۴ نفر (۴۷.۶۹٪) بود، و در دسته بالا (۷۶-۱۰۰)، ۶۸ نفر (۲۶.۱۵٪) قرار داشتند. این دسته‌بندی نشان می‌دهد که بیشترین تعداد افراد در دسته متوسط قرار دارند، در حالی که دسته‌های پایین و بالا به طور مساوی از نظر تعداد افراد تقسیم شده‌اند. این توزیع نمایانگر پراکندگی نمرات سبک زندگی میان جامعه مورد مطالعه است.

جدول (۱۱) آماره‌های توصیفی مولفه‌های پژوهش

متغیر	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی
مصرف فرهنگی	۲۶۰	۳۰۰	۴۰۰۰	۱۸.۳۴۶۲	۷.۳۷۵۹۶	۰.۰۹۹	-۰.۶۰۷
مصرف مادی	۲۶۰	۰.۰۰	۵۴.۰۰	۲۶.۴۸۸۵	۹.۰۷۳۹۱	۰.۱۱۹	-۰.۳۰۰
مدیریت بدن	۲۶۰	۰.۰۰	۳۰۰۰	۱۷.۱۶۵۴	۴.۸۶۷۳۱	-۰.۲۳۱	۰.۰۹۵
روابط درون خانواده	۲۶۰	۰.۰۰	۵۳.۰۰	۳۳.۲۵۳۸	۸.۶۲۰۰۹	-۰.۸۰۱	۰.۸۹۶
ارتباط با جنس مخالف	۲۶۰	۱.۰۰	۲۲۶.۰۰	۱۲۰.۷۶۱۵	۲۸.۱۵۶۹۸	-۰.۲۱۸	۱.۳۴۱
سبک زندگی	۲۶۰	۳.۰۰	۱۰۲.۰۰	۶۲.۰۰۰۰	۱۷.۱۷۲۳۰	-۰.۰۷۳	-۰.۲۴۰

آماره‌های توصیفی بالا نشان می‌دهد که متغیرهای مختلف دارای دامنه‌های متفاوتی از نمرات هستند که نشان‌دهنده تفاوت‌های گسترده در تفکرات و رفتارهای فردی شرکت‌کنندگان است، در متغیر "مصرف فرهنگی"، نمرات از ۳ تا ۴۰ متغیر هستند که میانگین ۱۸.۳۴۶۲ و انحراف معیار ۷.۳۷۵۹۶ نشان می‌دهد. این دامنه نشان‌دهنده گستردگی علاقه‌ی دانش‌آموزان به فعالیت‌های فرهنگی است. در "مصرف مادی"، دامنه نمرات بین ۰ تا ۵۴ با میانگین ۲۶.۴۸۸۵ و انحراف معیار ۹.۰۷۳۹۱ است، که بیانگر تفاوت‌های عمده در استفاده از منابع مادی میان دانش‌آموزان است. در متغیر "مدیریت بدن"، نمرات از ۰ تا ۳۰ با میانگین ۱۷.۱۶۵۴ و انحراف معیار ۴.۸۶۷۳۱ متغیر است که نشان‌دهنده تفاوت‌های گسترده در توجه به ظاهر و مدیریت بدن است. "روابط درون خانواده" نیز نشان‌دهنده دامنه وسیعی از ۰ تا ۵۳ با میانگین ۳۳.۲۵۳۸ و انحراف معیار ۸.۶۲۰۰۹ است، که بیانگر تفاوت‌های بزرگ در نحوه تعاملات خانواده‌ها می‌باشد. برای متغیر "ارتباط با جنس مخالف"، نمرات از ۱ تا ۲۲۶ متغیر بوده و میانگین ۱۲۰.۷۶۱۵ و انحراف معیار ۲۸.۱۵۶۹۸ دارد که نشان‌دهنده تفاوت‌های گسترده در ارتباطات اجتماعی با جنس مخالف است. در نهایت، متغیر "سبک زندگی" دامنه نمرات از ۳ تا ۱۰۲ با میانگین ۶۲.۰۰۰۰ و انحراف معیار ۱۷.۱۷۲۳۰ را نشان می‌دهد، که بیانگر تفاوت‌های گسترده در سبک و کیفیت زندگی میان دانش‌آموزان است. این تفاوت‌ها نمایانگر آن است که حتی در یک جمعیت نسبتاً همجنس نیز، رفتارها و ترجیحات فرهنگی، مادی و اجتماعی می‌تواند بسیار متنوع باشد.

پاسخ به فرضیات پژوهش

فرضیه اصلی: بین سبک زندگی خانواده و نگرش نوجوانان به جنس مخالف رابطه وجود دارد.

با توجه به آزمون رگرسیون فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید شده است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که به ازای تغییر در یک واحد انحراف معیار میزان سبک زندگی خانواده میزان نگرش نوجوانان به جنس به اندازه $0/365$ قابل پیش‌بینی می‌باشد. به عبارت دیگر، با افزایش کیفیت سبک زندگی در خانواده، نگرش نوجوانان به جنس مخالف به طور معناداری کاهش می‌یابد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که سبک زندگی خانواده تأثیر قابل توجهی بر نگرش نوجوانان به جنس مخالف دارد و این تأثیر به اندازه‌ای است که می‌تواند به خوبی تغییرات نگرش را پیش‌بینی کند.

فرضیه اول: بین زمینه مصرف فرهنگی خانواده و نگرش نوجوانان به جنس مخالف رابطه وجود دارد.

با توجه به آزمون رگرسیون فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید شده است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که به ازای تغییر در یک واحد انحراف معیار میزان زمینه مصرف فرهنگی خانواده میزان نگرش نوجوانان به جنس به اندازه $0/130$ قابل پیش‌بینی می‌باشد. به عبارت دیگر، با افزایش مصرف فرهنگی در خانواده، نگرش نوجوانان به جنس مخالف به طور جزئی کاهش می‌یابد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که مصرف فرهنگی خانواده تأثیر معناداری بر نگرش نوجوانان دارد، هرچند که تأثیر آن نسبتاً ضعیف است.

فرضیه دوم: بین زمینه مصرف مادی خانواده و نگرش نوجوانان به جنس مخالف رابطه وجود دارد.

با توجه به آزمون رگرسیون فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید می‌شود. بنابراین نتیجه می‌گیریم که به ازای تغییر در یک واحد انحراف معیار میزان مصرف مادی خانواده میزان نگرش نوجوانان به جنس به اندازه $0/227$ قابل پیش‌بینی می‌باشد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که مصرف مادی خانواده نقشی معنادار در شکل‌گیری نگرش‌های نوجوانان به جنس مخالف دارد.

فرضیه سوم: بین مدیریت بدن در خانواده و نگرش نوجوانان به جنس مخالف رابطه وجود دارد.

با توجه به آزمون رگرسیون فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید می‌شود. بنابراین نتیجه می‌گیریم که به ازای تغییر در یک واحد انحراف معیار میزان مدیریت بدن در خانواده، میزان نگرش نوجوانان به جنس به اندازه $0/446$ قابل پیش‌بینی می‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد که مدیریت بدن در خانواده به طور معنی‌داری بر نگرش نوجوانان به جنس مخالف تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، به ازای هر یک واحد افزایش در مدیریت بدن در خانواده، نگرش نوجوانان به جنس مخالف به اندازه $0/446$ واحد بهبود می‌یابد. ضریب تعیین (R) نیز برابر با $0/567$ است که نشان می‌دهد مدل رگرسیون توانسته است $56/7$ از واریانس نگرش نوجوانان به جنس مخالف را تبیین کند.

فرضیه چهارم: بین روابط بین شخصی خانواده و نگرش نوجوانان به جنس مخالف رابطه وجود دارد.

فرضیه صفر رد شده و فرضیه اصلی تأیید می‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که با تغییر یک واحد انحراف معیار در میزان روابط بین شخصی در خانواده، نگرش نوجوانان به جنس مخالف به اندازه $0/330$ واحد قابل پیش‌بینی است. به عبارت دیگر، بهبود روابط بین شخصی در خانواده منجر به کاهش نگرش منفی نوجوانان به جنس مخالف شود.

فرضیه پنجم: بین متغیرهای زمینه‌ای و نگرش نوجوانان به جنس مخالف رابطه وجود دارد.

میانگین نگرش فرزندان به جنس مخالف در خانواده‌هایی که مادر شاغل است ($120/9180$) تقریباً برابر با خانواده‌هایی است که مادر خانه‌دار است ($120/7136$). همچنین، میانگین نگرش فرزندان به جنس مخالف در خانواده‌هایی که پدر شغل آزاد دارد ($120/7960$) نیز تقریباً برابر با خانواده‌هایی است که پدر شغل دولتی دارد ($120/6441$). با توجه به سطح معنی‌داری بالا (بیشتر از $0/05$) در هر دو مورد ($0/971$ برای شغل مادر و $0/963$ برای شغل پدر)، تفاوت معناداری در نگرش فرزندان به جنس

بررسی رابطه بین سبک زندگی خانواده و نگرش نوجوانان نسبت به جنس مخالف
(مطالعه موردی دانش آموزان مدرسه فرهیختگان (۲ شهر پردیس)

مخالف برحسب شغل پدر و مادر مشاهده نمی‌شود. این نتایج نشان می‌دهند که شغل والدین تأثیر قابل توجهی بر نگرش فرزندان به جنس مخالف ندارد.

همچنین سن و پایه تحصیلی با نگرش فرزندان به جنس مخالف همبستگی منفی و ضعیفی دارند (به ترتیب * 0.125 و * 0.130) که هر دو رابطه در سطح 0.05 معنی‌دار هستند (سطوح معنی‌داری 0.046 و 0.036). این یافته‌ها نشان می‌دهند که با افزایش سن و پایه تحصیلی، نگرش فرزندان به جنس مخالف به طور جزئی کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، تحصیلات پدر (0.083)، تحصیلات مادر (0.034)، درآمد ماهانه خانواده (0.145)، و طبقه اجتماعی (0.085) همبستگی مثبتی با نگرش فرزندان به جنس مخالف دارند، اما این همبستگی‌ها ضعیف و در بیشتر موارد غیرمعنی‌دار هستند. تنها درآمد ماهانه خانواده با سطح معنی‌داری 0.019 نشان می‌دهد که این رابطه در سطح 0.05 معنی‌دار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که درآمد خانواده تأثیر بیشتری بر نگرش فرزندان به جنس مخالف دارد در حالی که تحصیلات والدین و طبقه اجتماعی تأثیر قابل توجهی ندارند. این نتایج نشان می‌دهند که متغیرهای اقتصادی ممکن است نقش مهم‌تری نسبت به متغیرهای تحصیلی و اجتماعی در شکل‌گیری نگرش فرزندان به جنس مخالف داشته باشند. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، جامعه ایرانی، از جمله نوجوانان، در حالی که به سنت‌ها و موازین دینی پایبند هستند، همزمان تحت تأثیر مدرنیته قرار دارند. آن‌ها از طریق تبلیغات، اینترنت و دانش روز با ویژگی‌های مادی و مصرف‌گرایانه مدرنیته آشنا می‌شوند. این وضعیت باعث می‌شود که نوجوانان دائماً در حال تعارض و گذر از این مرحله باشند. نوجوانان همچنین از الگوهای روابط دختر و پسر پیروی می‌کنند که ناشی از مؤلفه‌های جهانی شدن و سبک‌های جدید زندگی است. به همین دلیل، جهانی شدن به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر روابط شخصی و اجتماعی افراد شناخته می‌شود. این پدیده نه تنها بر نحوه تعاملات فردی تأثیر می‌گذارد بلکه باعث تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نیز می‌شود. به طور کلی، جهانی شدن به عنوان یک فرایند پیچیده، تأثیرات عمیقی بر روی روابط اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایرانی دارد و نیازمند توجه و بررسی بیشتری است تا بتوان پیامدهای آن را به درستی درک کرد. نتایج حاصله از این پژوهش با نظریه جهانی شدن و همچنین نظریه تکاملی همسو است.

همچنین بر اساس نتایج به دست آمده از گرایش نوجوانان دختر به دوستی با جنس مخالف نشان می‌دهد که این دوستی ناشی از یک رابطه عاشقانه و عاطفی است و دختران به دنبال پر کردن خلاء عاطفی هستند و دوستی با پسران را یک امر عادی که اتفاقاً باعث اجتماعی شدن می‌شود و باعث یاد گرفتن خیلی چیزهای مفید از یک همدیگر می‌شود که این نتیجه به دست آمده با نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه مبادله همسو است یعنی انسان در روابط اجتماعی خویش به دنبال سود و زیان خود است. پژوهش‌هایی که در ایران به عمل آمده نشان می‌دهد که دختران، ازدواج، رفع نیازهای عاطفی، جنسی، اوقات فراغت و مالی را با توجه به سبک زندگی خانواده‌شان در اولویت قرار می‌دهند. در این پژوهش نیز همین صدق می‌کند که دختران نوجوان به نیازهای عاطفی و عاشقانه برای ازدواج تمایل دارند و می‌خواهند که این روابط به ازدواج منتهی شود.

محدودیت‌های پژوهش

به دلیل پیچیدگی‌های موضوعات انسانی، بروز مشکلات در روند هر پژوهش طبیعی است و این مسائل ممکن است انجام تحقیق را با محدودیت‌هایی مواجه کند. پژوهش حاضر، مانند سایر پژوهش‌ها در زمینه علوم انسانی، که به مطالعه انسان می‌پردازد با محدودیت‌هایی روبرو شد که در طرح تحقیق پیش‌بینی نشده بودند. در ادامه این محدودیت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند:

- ❖ با توجه به محدودیت‌های روش کمی، نمونه نمی‌تواند به عنوان نماینده‌ای از تمام دانش آموزان در نظر گرفته شود.
- ❖ به دلیل محدودیت داده‌ها، بازنمایی تجربی ما از سبک زندگی والدین و دانش آموزان ناقص است، و تحقیقات آینده باید مشخص کند که کدام جنبه‌های خاص دیگر بر سبک زندگی و نگرش نوجوانان به جنس مخالف تأثیر می‌گذارد.

- ❖ کمبود یا حتی نبود پیشینه پژوهش درباره موضوع این تحقیق که به گونه ای رابطه میان دو متغیر مستقل و وابسته این پژوهش را مورد بررسی قرار داده باشد، این تحقیق را از اولین تجربه‌های پژوهشی درباره این موضوع (رابطه سبک زندگی خانواده و نگرش به جنس مخالف) قرار می‌دهد و این امر باعث افزایش احتمال خطا در تحقیق حاضر می‌گردد.
- ❖ جلب حمایت و همکاری مسئولین و مدیران ذیربط در این دو مدرسه جهت کسب آمار دانش آموزان این مدارس برای اطلاع از حجم جامعه آماری و محاسبه حجم نمونه و پس از آن انجام عملیات پرسشگری، کار آسانی نبود.
- ❖ متقاعد کردن نمونه‌های مورد بررسی برای پاسخ‌گویی به سوالات پرسشنامه در زمان فراغت شان نیز از دیگر مشکلات تحقیق بود.

نتیجه‌گیری

برای پاسخ به سؤالات پژوهش، لازم است داده‌ها با استفاده از روش‌های اصولی تجزیه و تحلیل شوند. اما تحلیل داده‌ها به تنهایی نمی‌تواند پاسخ‌های لازم را ارائه دهد؛ تفسیر داده‌ها نیز امری ضروری است. بنابراین، برای تبیین و معنا بخشیدن به داده‌ها، ابتدا باید آن‌ها را تجزیه و تحلیل کرد و سپس به تفسیر نتایج حاصل پرداخت. فصل پایانی پژوهش حاضر به بررسی یافته‌های تحقیق اختصاص دارد. در این فصل، خلاصه‌ای از نتایج تحقیق ارائه می‌شود و همچنین بحثی در مورد این نتایج صورت می‌گیرد. پس از یک نتیجه‌گیری کلی، محدودیت‌هایی که محقق در طول اجرای این پژوهش با آن‌ها مواجه شده است، بیان می‌شود. در نهایت، پیشنهادهایی در قالب توصیه‌های علمی و کاربردی ارائه خواهد شد.

سبک زندگی و نگرش به جنس مخالف، از مفاهیم اصلی این پژوهش است. سبک زندگی، متغیر مستقل و نگرش به جنس مخالف، متغیر وابسته است. سبک زندگی که با مؤلفه‌های اصلی آن (که از نظریه‌های اندیشمندان حوزه سبک زندگی، مثل: بوردیو، زیمل، وبلن و... برداشت شده‌اند) مثل: مصرف مادی، علایق فرهنگی، مدیریت بدن و روابط بین شخصی، سنجیده شده است.

امروزه، برخلاف ارزش‌ها و هنجارهای گذشته، به راحتی شاهد روابط با جنس مخالف خارج از چهارچوب‌های فرهنگی پذیرفته شده هستیم. یکی از نگرانی‌های جدی در این زمینه، کاهش سن این نوع روابط است. بر اساس پژوهش‌ها، گروهی از نوجوانان دختر در شهرستان پردیس اقدام به برقراری چنین روابطی کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این پدیده چند عاملی است و نه تک عاملی.

عوامل اصلی مؤثر در گرایش نوجوانان شهرستان پردیس به این نوع روابط شامل منسجم نبودن خانواده، تأثیر جنس مخالف، تغییرات هنجاری و ارزشی مدرن و سنتی، و نیاز به پذیرش اجتماعی در گروه دوستان است. ظهور چنین وضعیتی در جامعه ایران نشان می‌دهد که نه تنها آرمان‌ها و ارزش‌های ایرانی اسلامی تحقق نیافته‌اند، بلکه این ارزش‌ها و هنجارها تغییر کرده‌اند. این نتیجه با بخشی از نظریه اینگلهارت همخوانی دارد که بیان می‌کند تغییرات ارزشی در جوامع تحت تأثیر تحولات اقتصادی و تکنولوژیکی قرار دارد و رابطه با جنس مخالف برای برخی جوانان و نوجوانان به یک ارزش تبدیل شده است.

گسترش این پدیده از دوران جوانی به نوجوانی نشان می‌دهد که بسیاری از نوجوانان ایرانی تا زمان رسیدن به سن ازدواج، تجربه‌های جنسی مشابه یک فرد متأهل را کسب خواهند کرد و این امر ممکن است شور و شوق آن‌ها برای ازدواج را کاهش دهد. افزایش سن ازدواج، کاهش ازدواج‌های متعارف و گسترش ازدواج‌های سفید از پیامدهای این وضعیت خواهد بود.

به بیان دیگر، جهان مدرن در دهه‌های اخیر، تحولات وسیعی را از جنبه‌های مختلف تجربه کرده است. یکی از تغییرات مهم این عصر، افزایش سن ازدواج و رواج روابط خارج از عرف ازدواج است. جامعه ایرانی با ارزش‌های دینی خاص خود، جامعه ای است که هرگونه رابطه دوستی با جنس مخالف خارج از چهارچوب‌های دین را منع می‌کند (محمدزاده، ۲۰۱۸:۶۸). روابط میان

بررسی رابطه بین سبک زندگی خانواده و نگرش نوجوانان نسبت به جنس مخالف
(مطالعه موردی دانش آموزان مدرسه فرهیختگان (۲ شهر پردیس)

پسران و دختران پیش از ازدواج همواره موضوعی حساس و همراه با ابهام، شک و اضطراب بوده است. از یک سو، فشارها و تنش‌های درونی باعث می‌شود که نوجوانان و جوانان به طور طبیعی به جنس مخالف گرایش پیدا کنند و از سوی دیگر، ملاحظات اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی به عنوان موانعی برای آنان عمل می‌کنند. این تضادها همواره برای نوجوانان، جوانان و همچنین اولیاء و مسئولان آموزش و پرورش چالش‌برانگیز بوده و وضعیت نامشخصی را در نحوه برخورد با این مشکل ایجاد کرده است. در این زمینه، نیاز به بررسی عمیق‌تر این روابط و تأثیرات آن بر روی جامعه احساس می‌شود.

منابع

- [۱] احمدی، خ. (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سمت.
- [۲] آزاد ارمکی، ت. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی خانواده در ایران. تهران: سمت.
- [۳] اعزازی، ش. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- [۴] بشارت، م. ع. (۱۳۹۲). روان‌شناسی شخصیت. تهران: رشد.
- [۵] خدایاری فرد، م. (۱۳۹۱). روان‌شناسی خانواده. تهران: دانشگاه تهران.
- [۶] ساروخانی، ب. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.
- [۷] شرفی، م. (۱۳۹۴). روان‌شناسی نوجوان و جوان. تهران: رشد.
- [۸] طالبی، ج. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی روابط دختر و پسر در جامعه ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- [۹] علیزاده، ح. (۱۳۹۱). روان‌شناسی رشد (نوجوانی). تهران: دانشگاه تهران.
- [۱۰] فرجاد، م. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی اجتماعی نوجوانان. تهران: بدرقه جاویدان.
- [۱۱] کریمی، ی. (۱۳۹۲). روان‌شناسی اجتماعی. تهران: ارسباران.
- [۱۲] گنجی، ح. (۱۳۹۴). روان‌شناسی رشد. تهران: ساوالان.
- [۱۳] عباس‌زاده، م.، و حیدری، س. (۱۳۹۹). رابطه کارکرد خانواده و نگرش نوجوانان به روابط با جنس مخالف. مجله پژوهش‌های روان‌شناختی، ۱۱۵(۱)، ۱۰۱-۱۱۸.
- [۱۴] صالحی، ا.، و ابراهیمی، ح. (۱۳۹۷). نقش ارزش‌های خانوادگی در نگرش نوجوانان به روابط دختر و پسر. مجله علوم اجتماعی، ۹(۳)، ۱۱۵-۱۳۲.
- [۱۵] صادقی، ف.، و کرمی، ن. (۱۳۹۸). بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی خانواده با نگرش نوجوانان نسبت به جنس مخالف. مجله سبک زندگی اسلامی، ۵(۲)، ۶۱-۷۸.
- [۱۶] داوری، م.، و موسوی، س. (۱۳۹۵). رابطه سبک‌های فرزندپروری با نگرش نوجوانان نسبت به جنس مخالف. مجله روان‌شناسی تربیتی، ۱۲(۱)، ۷۷-۹۴.
- [۱۷] رضایی، ع.، و احمدی، م. (۱۳۹۶). تأثیر محیط خانوادگی بر نگرش نوجوانان به روابط عاطفی. مجله مطالعات جوانان، ۷(۴)، ۳۳-۵۰.
- [۱۸] حسینیان، س.، و یوسفی، ن. (۱۳۹۷). نقش کارکرد خانواده در شکل‌گیری نگرش نوجوانان به روابط با جنس مخالف. مجله روان‌شناسی کاربردی، ۱۱(۳)، ۴۵-۶۰.
- [۱۹] باقری، ع.، و محمدی، م. (۱۳۹۸). بررسی رابطه سبک زندگی خانواده با نگرش جوانان نسبت به روابط با جنس مخالف. مجله مطالعات خانواده، ۱۴(۲)، ۸۵-۱۰۲.
- [20] Kusaslan Avci, Dilek et al "The determination of health school student's knowledge. (2016). "The attitudes and behaviors on the matter of sexual health in Eastern Turkey". Department of family medicine, Medical faculty of Yuzuncu Yil University, Eastern journal of medicine, Van, Turkey. 131-137.
- [21] Kaplan, E. Sadok, K. (2007). Summary of Behavioral-Clinical Psychiatry (Volume I). Translated by Purafkar, n. (2009). Tehran: Shahrab.
- [22] Bireda, A. D. (2013). Parent- adolescent relationship and adolescents adjustment problems: adolescent voices. University of South Africa.
- [23] Yip, Paul SF, Huiping Zhang, Tai-Hing Lam, Kwok Fai Lam, Antoinette Marie Lee, John Chan and Susan Fan. ((2013 Sex knowledge, attitudes, and high-risk sexual behaviors among unmarried youth in Hong Kong. BMC Public Health, 13:691

بررسی رابطه بین سبک زندگی خانواده و نگرش نوجوانان نسبت به جنس مخالف
(مطالعه موردی دانش آموزان مدرسه فرهیختگان (۲ شهر پردیس)

- [24] Salleh Ali, Halim, Wan Abdul Manan, Wan Muda Azriani Abdul Rahman, Razlina Abdul Rahman, Shaiful Bahari Ismail, Mohd Ismail Ibrahim, Siti Hawa. (2012). Factors Associated With Attitude toward Premarital Sexual Activities among School-Going Adolescents in Kelantan, Malaysia.
- [25] Santhya, K.G et al. (2009). Premarital sexual relations among youth in India: findings from youth in India: situations and needs.